

سایت هسته‌های نظنز، بامداد پنجشنبه ۱۲ تیرماه؛ یکی از سوله‌ها به ناگاه دچار حادثه می‌شود. ساعاتی بعدپهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی از وقوع این حادثه در سایت شهید مصطفی احمدی‌روشن خبر می‌دهد. توضیحات او محدود است و کوتاه، اما در خلال آن ذکر شده دلایل حادثه همچنان در دست بررسی است.

به حدود ۱۲ ساعت قبل برمی‌گردیم. آبی‌ی کوهن، یک فعال سیاسی رسانه‌های صهیونیست در *تویتر* و با زبان عربی از بمباران سایت غنی‌سازی اورانوم نظنز خبر می‌دهد و مدعی می‌شود رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین سایت غنی‌سازی ایران را هدف قرار داده است. یورونیوز، کهن را تحلیلگر صهیونیست معرفی می‌کند و با اتکا به حساب کاربری وی در لینکدین می‌گوید بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ در دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی فعالیت کرده‌است. ایندیندنت اما و ارمشاور سابق دولت رژیم صهیونیستی عنوان می‌کند، عنوانی که شاید گزراه‌ای برای اتصال وی به دستگاه اطلاعاتی رژیم اشغال‌گر قدس باشد، هرچند اگر چنین سمت‌هایی هم برای وی عنوان نمی‌شد، احتمالاً باید هر فعال رسانه‌ای صهیونیست را یک مهره آموزش دیده از سوی دستگاه اطلاعاتی این رژیم تصور کرد. عصر روز پنجشنبه البته رسانه‌های غربی به انتشار خبر و گمانه دربار حادثه نظنز ادامه دادند، هرچند برخی از آنها یا رافتر هم گذاشتند. نیویورک تایمز به نقل از منابع آگاه گزارش داد که انفجار روز پنجشنبه در تاسیسات هسته‌ای نظنز ممکن است در نتیجه خرابکاری رخ داده باشد. در این خبر که به نقل از یک مقام اطلاعاتی خاورمیانه‌ای که خواست نامش فاش شود، منتشر شده آمده یک ابزار انفجاری که در تاسیسات هسته‌ای نظنز کار گذاشته شده بود، عامل انفجار بامداد پنجشنبه در این تاسیسات بوده است. بعد از این خبر دیوید آلبرایت، رئیس موسسه علم و امنیت بین‌الملل آمریکا و از نزدیک‌ترین افراد به کاخ سفید، که سال‌ها به‌صورت ویژه پیگیر پرونده هسته‌ای ایران بوده است با نیویورک تایمز گفت‌وگو کرد و گفت به احتمال زیاد، خرابکاری فنی باعث چین حادثه‌ای شده است. او گفت که براساس ارزیابی‌های اولیه و تطبیق عکس‌های منتشرشده توسط سازمان انرژی اتمی ایران با تصاویر ماهواره‌ای گوگل، محل حادثه مرکز مونتاژ سانتریفیوژ ایران بوده است. با این اطلاعات به‌اضافه اینکه خسروی، سخنگوی دبیرخانه شورای عالی امنیت‌ملی عصر جمعه از مشخص شدن علت حادثه سخن می‌گوید اما عنوان می‌کند که در

گفت‌وگو

هانی‌زاده در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خواستار شد

بازرسان مشکوک آژانس اخراج شوند

رژیم صهیونیستی برای تکمیل آرشيو اطلاعاتی موساد تلاش می‌کند

حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل منطقه و بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با اشاره به حادثه اخیر در سایت هسته‌ای نظنز و برخی خرسازی‌ها از سوی رژیم صهیونیستی در این زمینه اظهار داشت: «در هر حادثه‌ای که در ایران رخ می‌دهد رژیم صهیونیستی با استفاده از شیوه‌های جنگ روانی سعی می‌کند به‌نوعی اطلاعات کاملی از آن حوادث به‌دست بیاورد.»

هانی‌زاده افزود: «شگرد رژیم صهیونیستی این است که در هر حادثه‌ای ادعا می‌کند در آن حوادث نقش داشته است، لذا توجه به این نکته ضروری است که این مساله ممکن است موجب شود مسئولان جمهوری اسلامی ایران در دام تبلیغاتی رژیم صهیونیستی قرار بگیرند و از این رو اطلاعاتی نیز به منظور تکذیب ادعای رژیم صهیونیستی ارائه دهند.»

تلاش رژیم صهیونیستی برای تکمیل آرشيو اطلاعاتی موساد

این کارشناس مسائل منطقه و بین‌الملل بر همین اساس یادآورش: «این امر باعث می‌شود رژیم جعلی صهیونیستی با دریافت این اطلاعات از طریق رسانه‌های داخلی و مسئولان جمهوری اسلامی ایران این حادثه را تألیز کند تا بتواند در آرشيو و اطلاعاتی موساد قرار دهد.» وی تصریح کرد: «بنابراین رژیم صهیونیستی هیچ نقشی در حادثه اخیر نظنز نداشته است و از سوی دیگر خسارت در این قضیه نیز بالا نبوده است.»

هانی‌زاده درخصوص شگرد رسانه‌ای و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیز گفت: «ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر پوشش ماهواره‌ای است چرا که هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی در تمام مناطق غرب آسیا و به‌ویژه ایران ماهواره‌های جاسوسی دارند و تمام حوادثی که رخ می‌دهد را رصد می‌کنند.»

این کارشناس مسائل منطقه و بین‌الملل با تأکید بر اینکه این نکته اتفاق جدیدی نیست و هر تحرک و اقدامی از سوی ماهواره‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا رصد می‌شود، گفت: «آمریکا و رژیم صهیونیستی همکاری‌های تنگاتنگ اطلاعاتی-امنیتی دارند، اما اینکه چه اتفاقی افتاده و چه کسی عامل این انفجار در سایت نظنز بوده، قطعاً دست خارجی حضور نداشته است.» وی افزود: «نیم تحقیق سازمان انرژی هسته‌ای ایران درحال تحقیق بر این موضوع است، از این رو مشخص است که رژیم صهیونیستی قادر به نفوذ در تاسیسات هسته‌ای ایران نیست و این ادعا صرفاً برای این است که وانمود کنند که این رژیم توانایی دسترسی به تمام مناطق هسته‌ای ایران را دارد.»

سیاست

حادثه بامداد ۱۲ تیر در سایت هسته‌ای نظنز باید سیاست‌های تهران را تغییر دهد

نقطه عطف برنامه هسته‌ای ایران؟

پاسخ داده نمی‌شد، برای همیشه تمامی آب‌های بین‌المللی برای ایران نامن بودند و نه ارسال چندین نفتکش به ونزوئلا و عبور از آب‌های مدیترانه و جبل الطارق که حتی ترده‌های معمولی در خلیج فارس و دریای عمان غیرممکن می‌شد. یا اگر واقعه ترور سردار سلیمانی با شخم زدن عین‌الاسد همراه نبود یا تجاوز گلوبال هاوک با شلیک سامانه پدافند هوایی سوم خرداد پاسخ داده نمی‌شد، احتمالاً تا به امروز درگیری‌های مستقیم و غیرمستقیم سنگینی را تجربه کرده بودیم و بعید نبود که حتی شاهد جنگ تمام‌عیار هم باشیم. از این رو باید پاسخی درخور با کمیت و کیفیت مناسب داده شود، علاوه‌بر اینکه بخشی از این پاسخ حتماً تقویت توان داخلی در تولید سانتریفیوژهای نسل جدید خواهد بود، پاسخی در طول زمان و قابل اعتنا برای برهه‌های مختلف.

دوم تکلیف بازرس-جاسوس رامشخص کند

از سال‌ها پیش این فرضیه قوی وجود داشت که بخش مهمی از اطلاعات هسته‌ای کشور اعم از فعالیت‌های صنعتی یا اسامی دانشمندان کشور، از طریق بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دستگاه‌های اطلاعاتی غربی منتقل می‌شود، آنچنان که در ماجرای صدور قطعنامه اخیر شورای امنیت فرآیندی بالعکس در آژانس طی شده، ترور دانشمندان هسته‌ای در نیمه دوم دهه ۸۰ هم از همین طریق صورت گرفت. با این فرض حتماً باید تجدیدنظری در همکاری با آژانس صورت گیرد، چراکه چنین اتفاقی مکمل همان ماجرای صدور قطعنامه غیرقانونی، غیرحقوقی و غیرفنی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران است و نمی‌توان از کنار این مساله به‌سادگی گذشت. آژانس باید پاسخ مناسبی بگیرد تا به‌جای نظارت بی طرفانه بخشی از دعوت‌انباشد.

سوم ۶ سال عقب‌ماندگی جبران شود

خرابکاری فیزیکی در یک سایت هسته‌ای، موبد اهمیت بالایی این صنعت است. چیزی که در سال‌های اخیر از جانب دولت کمتر مورد توجه قرار گرفته و در دوران برجام ضربه‌ای مهلک دیده است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که اکنون باید صورت پذیرد تا هم برگ صنعت هسته‌ای به‌عنوان اهرمی بازدارنده و گزینده‌ای برای چانه‌زنی پایدار بماند و هم به‌عنوان پاسخی معتبر به رژیم صهیونیستی و آژانس تلقی شود این است که با سرعت و تلاش بیشتری در مدتی نامحدود فرآیند بازسازی توان هسته‌ای کشور درپیش گرفته‌شود تا عقب‌ماندگی دوران برجام هم از نظر علمی و هم عملیاتی جبران شود و شاید تنها از این مسیر باشد که انفعال سیاسی و فنی در چند سال اخیر جبران شود.



بنویسم، صرف‌نظر از اینکه چنین عملیاتی با چه وسعتی صورت گرفته باشد، تحولات اخیر به‌ویژه تأکید و توجه غربی‌ها به صنعت هسته‌ای گویای این است که همچنان این توانمندی اهرم بازدارنده و البته پیش‌برنده کشور است، آنقدر مهم که دستگاه‌های اطلاعاتی‌شان را به‌خط کرده و برای آن هزینه کنند تا از هر طریقی مسیر پیشرفت ایران را مسدود کنند.

در این خصوص البته یکی دو نکته دیگر هم وجود دارد:

اول مهم‌ترین مساله پاسخ ایران است

با فرض اینکه رژیم صهیونیستی یا یک خرابکاری برنامه‌ریزی شده بخشی از صنعت هسته‌ای و فعالیت‌های آن را دچار اختلال کرده باشد، آنگاه پاسخ ایران مهم‌ترین مساله خواهد بود. یعنی اگر چنین اقدامی انجام شده باشد و پاسخ درخور از جانب ایران به آن داده نشود، آنگاه موضع ضعف تنها پیام وضعیت کنونی خواهد بود و این به معنای چراغ سبز برای عملیات‌های بزرگ‌تر و بعدی است. یک‌منطق قوی که در این سال‌ها بیشتر هم به کار آمده و البته تجربه ثابت‌شده‌ای هم هست می‌گوید اگر هرگونه اقدام دشمن بدون پاسخ بماند باید منتظر اقدامات بزرگ‌تر بعدی بود. به‌خاطر بیاورید واقعه یک سال پیش و توقیف گریس‌بک، به‌بهانه‌واهی در آب‌های جبل الطارق توسط کماندوهای انگلیسی را. آن اتفاق اگر با توقیف استنا ایچپرو

صهیونیست‌ها قبلاً هم نشان دادند ابایی از اقدامات تروریستی و خرابکارانه ندارد. با این فرض باید به‌گونه‌ای رفتار کرد که نقشه این بلوف‌زنی و فعالیت رسانه‌ای برملا شود. حالت دوم اما معادله پیچیده‌تری را پیش روی ما می‌گذارد. بعید نیست در روزهایی که تمام ابزارهای آمریکا برای فشار به ایران فعال شده، درگیری در سازمان ملل، شورای حکام و حتی بازارهای اقتصادی به اوج خود رسیده، درگیری‌های اطلاعاتی، امنیتی و سایبری که در سال‌های گذشته همواره میان ایران با رژیم صهیونیستی وجود داشته است این بار باعث شده سایت شهید احمدی‌روشن نظنز آسیب ببیند. تجربه ویروس اکستاس‌نت که اگر مهار نشده بود ضربه‌ای بزرگ به صنعت هسته‌ای کشور وارد کرده بود یا حمله سایبری همین چند وقت پیش به تاسیسات بندر شهید رجایی که در آن اتفاق هم سپر دفاعی به‌خوبی عمل کرد و مانع وقوع حادثه شد، از جمله این موارد است. در این سناریو لاچرم باید بگوییم که جز صد ماهواره‌ای، آنها از یک خرابکاری برنامه‌ریزی شده هم مطلع بوده‌اند و یا یک اطلاع‌رسانی رسانه‌ای، ردیابی از خود به‌جای گذاشتند. اگر این فرض را قبول کنیم، باید بگوییم که صنعت هسته‌ای دوباره به روزهایی بازگشته که قطعنامه‌های شورای حکام، فشارهای رسانه‌ای، سیاسی، حقوقی و تحریم نتوانستند برگ‌برنده ایران را از روی میز کنار بزنند و دشمنان دوباره به رفتار و توطئه‌های سخت‌روی آورده‌اند. اجازه دهید دقیق‌تر

فرصت مقتضی رسانه‌ای خواهد شد، شبهه جدی می‌شود و سوال مهم‌تر؛ آیا رژیم صهیونیستی سایت نظنز را هدف قرار داده است؟ ظهیر روز پنجشنبه اولین تصاویر از محل حادثه در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد. به‌وضوح مشخص است انفجار محدودتر از آن است که بمباران رخ داده باشد. با وجود اینکه برخی کارشناسان نظامی پاسخ کهن را داده بودند، اما تجربه شناسایی هرمس صهیونیست و قرار گرفتن آن در تور اطلاعاتی پدافند ایران می‌گوید ادعای بمباران غیرقابل قبول است. حالا سوال کمی تغییر می‌کند. چرا قبل از رسانه‌ها در ایران، یک صهیونیست از چنین اتفاقی خبر داده است؟ حتی اگر بمباران هم نباشد… که نیست… چطور ممکن است او پیش از منابع داخلی چنین خبری را منتشر کرده باشد؟ یا بلوف زده یا واقعاً خبری بوده است.

۸ بلوف یا واقعیت؟

در حالت اول باید یک حادثه معمولی ناشی از خطای انسانی یا اتفاقی مشابه آن را مد نظر داشت و سپس اطلاع از واقعه را در رصد ماهواره‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی دنبال کرد. بدین معنا که آنها از طریق ماهواره‌های رصدگر خود هم‌زمان با انفجار که ساعت دقیق آن فعلاً بیان نشده، از ماجرا خبردار شده‌اند و برای جوسازی و خودنمایی به‌صورت غیررسمی گفته‌اند که کار ما بوده است، هرچند

مهدی مطهرنیا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اگر تعرض قطعی باشد، باید کوبنده پاسخ دهیم

در صورت پاسخ ندادن به رژیم صهیونیستی باید منتظر حجه‌های بعدی باشیم

۸ ایران در وهله نخست درباره حمله سایبری تردید دارد

سوم آنکه به هر تقدیر ایران در وهله اول، نسبت به حمله سایبری تردید دارد، سپس تردید‌ها متوجه خرابکاری درونی می‌شود و سوم زمینه‌های موجود متوجه بررسی جوانب کار از منظر تخصصی است که اگر این جنبه‌ها را کنار یکدیگر بگذاریم، درمی‌یابیم در وضعیت فعلی نمی‌توان قضاوت یا باوری که قابل وثوق و مورد اعتماد باشد را مورد تأکید قرار داد و صرفاً باید به گمانه‌زنی‌ها براساس داده‌های موجود بسنده کرد.

از این‌رو در آینده‌نه‌چندان در این موضوع مشخص خواهد شد، چرا که جهان امروز با توجه به تبادل آزاد اطلاعات زودتر از آنچه برخی تحلیلگران ارزیابی می‌کنند مسائل خود را به نمایش می‌گذارد.

با توجه به اینکه شما بحث احتمال حمله سایبری را نیز مطرح کردید، برخی معتقدند نقش گزارشگران آژانس در این زمینه بی‌تأثیر نیست و ممکن است آنها به‌عنوان دیده‌بان دشمن عمل کرده باشند، ارزیابی شما از این مساله چیست؟

این نقد به همه نهاد‌های سیاسی کشور‌های گوناگون در درون کشور‌های دیگر وارد است؛ در ادبیات سیاسی سفرادرواق جاسوسان رسمی کشور‌ها در پایتخت‌های سایر کشور‌ها هستند و اگرچه دیپلمات خوانده می‌شوند اما در واقعیت ماموریت اصلی هر سفیری در هر کشوری جمع‌آوری اطلاعات از آن کشور برای همکاری بیشتر، رقابت فزون‌تر و تعامل آشکارتر یا حتی رودررویی در آینده است، از این‌رو ما نباید در هر موضعی سریعاً صحبت از جاسوسی و تلاش سازمان‌های بین‌المللی برای توطئه داشته باشیم، چرا که موضوع نمی‌تواند چندان کارساز و حل‌کننده باشد.

ما اگر بنای خود را بر این بگذاریم که همه دیده‌بان‌های بین‌المللی جاسوس هستند آیا می‌توانیم در این جهان تنگاتنگ، سازمان‌های بین‌المللی را نبذیریم؟

در وضعیت کنونی اینکه ما بخواهیم از منظر رسانه‌ای در چارچوب گریز از وضعیت موجود همه چیز را متوجه سازمان‌های بین‌المللی کنیم، درنهایت در تحلیل به اینجائی انجامد که بگویم بله آنها جاسوس هستند اما آیا می‌توانیم خواهان آن شویم که در سازمان‌ها تغییر ایجاد شود؟ به هر تقدیر بازی سیاست بسیار پیچیده است و باید در فضای پیچیده نیز پیش برود.

۸ ایران باید پاسخ درخوری در این زمینه ارائه دهد

با این وجود پاسخ عملیاتی ایران در این زمینه چه خواهد بود؟

ایران زمانی که رژیم صهیونیستی پایگاه‌های ایران در سوریه را مورد حمله قرار داد و بارها تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز رسماً مسئولیت حملات به این پایگاه‌ها را پذیرفت باید به صورت کوبنده پاسخ حملات رژیم صهیونیستی را می‌داد.

اکنون هم اگر بنابر احتمالات موجود رژیم صهیونیستی تعرضی کرده باشد، ایران باید پاسخ درخوری در این زمینه ارائه دهد، چرا که در غیر این صورت این نشان دهنده ضعف درونی در پاسخگویی به هجمه بیرونی است و می‌تواند زمینه‌ساز نگرانی‌های فرآینده در داخل کشور و از سوی دیگر فراهم کننده زمینه‌های خاصی از ارزیابی قدرت تهران در برخورد با مهاجمان باشد.